



«حر» آزادهای که لیاقت شهادت در کنار امام حسین (ع) را داشت

آیت‌الله محمد شجاعی معتقد است؛ شهدای کربلا افرادی برگزیده بودند که حتی «ابن‌عباس»‌ها به آن نرسیدند اما «حرّ بن یزید ریاحی» به آن دست یافت و او لیاقت شهادت در کنار امام حسین (ع) را داشت.

آیت‌الله محمد شجاعی معتقد است؛ شهدای کربلا افرادی برگزیده بودند که حتی «ابن‌عباس»‌ها به آن نرسیدند اما «حرّ بن یزید ریاحی» به آن دست یافت و او لیاقت شهادت در کنار امام حسین (ع) را داشت. گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، آیت‌الله محمد شجاعی در باب شخصیت و نهضت امام حسین (ع) سلسله سخنرانی‌هایی را بیان کرده است که هر روز از رادیو قرآن تحت عنوان «چراغ هدایت» پخش می‌شود. آنچه در پی می‌آید، متن سخنرانی‌های معظمله است که به ابتکار خبرگزاری فارس منتشر می‌شود.

* شهدای کربلا از قبل تعیین شده بودند

شهدای کربلا افرادی مخصوص بودند. روایتی از ابن‌عباس آمده که می‌گوید: «من در زیقار به خدمت حضرت امیرالمؤمنین (ع) رسیدم. آنجا امام صحیفه‌ای بیرون آورد. از آن صحیفه جملاتی خواند که مربوط به شهادت سیدالشهدا (ع) بود. این صحیفه را رسول‌الله (ص) املا کرده و امیرالمؤمنین (ع) آن را نوشته بود. امام علی (ع) از آن صحیفه خواند که فرزندش اباعبدالله الحسین (ع) چگونه، در کجا و توسط چه کسی شهید خواهد شد و چه کسانی به یاری او خواهند شتافت و چه کسانی هم با او شهید می‌شوند.» پس معلوم می‌شود که این افراد از اول مورد نظر بودند. محمدبن‌حنیفه، فرزند امیرالمؤمنین (ع) در روایتی دیگر می‌گوید: «آنها که با اباعبدالله (ع) شهید شدند، نامشان از اول نزد ما معلوم بود.»

در جریان واقعه عاشورا، ابن‌عباس زنده بود؛ اما چرا با آن خصوصیتی که داشت، جزو شهدا نبود. ابن‌عباس و برخی دیگر از بزرگان حیات داشتند اما به این توفیق نائل نشدند.

حال قضاوت نمی‌کنیم ابن‌عباس را که مفسر قرآن بوده و اینکه مثبتات او چه بوده و آیا منفی‌بانی هم داشته و یا نه، ولی او ابن‌عباس بوده است. زمانی او را مزمت کردند که چرا از این فیض بازماندی؟ جواب داد: «آنها که با اباعبدالله شهید شدند، از قبل تعیین شده بودند و نه احدی به آنها اضافه و نه احدی از آنها کم می‌شد.»

* خصوصیتی که در زیارت‌ها برای یاران امام حسین (ع) آمده است

در زیارتی که در نیمه رجب خوانده شود، می‌خوانیم: السلام علی الارواح المنيحة بقبر ابي عبدالله الحسين (ع)، این جمله خصوصیات زیادی را بیان می‌کند؛ اما درک آن از عهده من و شما خارج است؛ ولی می‌توان اشاره کرد که می‌گوید؛ سلام بر ارواحی که به قبر ابي‌عبدالله حسین (ع) نزول کردند. جایگاه اصلی این ارواح دل اباعبدالله است.

در ادامه زیارت آمده؛ السلام علیکم یا طاهرين من الدنس، سلام بر شما، ای کسلیکه که از هر پاکی، پاک بودید. این وصف بالایی است. السلام علیکم یا مهدیون، سلام بر شما ای هدایت شده‌های خاص خدا، السلام علیکم یا ابرارالله؛ سلام بر شما نیکویان الهی. السلام علیکم و علی الملائكة الحافین بقبورکم، سلام بر خود شما و بر آن ملائکه که اطراف قبر شما هستند. در زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) در شب‌های قدر، وقتی زیارت حضرت تمام می‌شود، رو به شهدا می‌شود که اینگونه خطاب می‌شوند؛ السلام علیکم ایها الصدیقون، صدیق در لسان قرآن و ائمه (ع) معنایی دارد که ما نمی‌توانیم آن را تصور کنیم. السلام علیکم ایها الشهداء و الصابرون، اشهد انکم جاهدتم فی سبیل‌الله؛ شهادت می‌دهم شما در راه خدا به جهاد پرداختند و صبرتم علی الاذی فی جنب‌الله، و بر هر ظلم و اذیتی در جنب‌الله فی‌الله صبر کردید. و نصحت‌الله و لرسوله؛ و موعظه کردید برای خدا و رسول (ص).

حتی اتیکم الیقین؛ تا اینکه به یقین رسیدید. این منزلت بالایی است و این جمله را معمولاً در زیارت ائمه (ع) می‌خوانیم؛ اما در اینجا خطاب به شهدای کربلا است.

در همین زیارت شب‌های قدر، خاصه در خصوص حضرت ابوالفضل (ع) هم همین موضوع است. در ادامه زیارت می‌خوانیم: اشهد انک قد جاهدت و نصحت و صبرت حتی اتیك الیقین، من شهادت می‌دهم تو مجاهدت کردی، نصیحت کردی، صبر کردی تا به یقین رسیدی.

در زیارت حضرت سیدالشهداء (ع) در عید فطر و قربان هم این جمله را در خصوص شهدا می‌بینیم.

السلام علیکم ایها الذابون عن توحیدالله، سلام بر شما ای کسانی که از توحید دفاع کردید.

و در زیارت نامه‌ها هم این جمله‌ها خوانده می‌شود که السلام علیکم یا اولیاءالله که اولیاءالله مرتبه بالایی دارد. شهدای کربلا افرادی برگزیده بودند که حتی ابن‌عباس‌ها به آن نرسیدند اما حر بن یزید به آن دست یافت.

* حر، آزاده‌ای که لیاقت شهادت در کنار امام حسین (ع) را داشت

«#جرّ» اولین کسی بود که به مقابله پرداخت و وقتی که صبح عاشورا بازگشت و توبه کرد، به امام حسین (ع) گفت که من نمی‌دانستم که با شما می‌خواهند این طور رفتار کنند و فکر می‌کردم که حرف شما را گوش می‌کنند و از در مسالمت وارد می‌شوند. وقتی حر راه را به امام حسین (ع) بست، گفت که مأمور هستم که شما را به کوفه ببرم و وقتی سیدالشهدا (ع) آن را قبول نکرد، درخواست داد تا راهی غیر از مدینه و کوفه را انتخاب کند و بماند تا او قاصدی را به ابن‌زیاد بفرستد تا به جنگ با امام حسین (ع) گرفتار نشود. وقتی حر گفت که من نمی‌گذارم تا برگردید، از درونش خبرهایی می‌آمد، امام حسین در حین گفت‌وگو با حر به او گفت: مادرت به عزایت بنشیند! از ما چه می‌خواهی؟ حر گفت: اگر غیر تو کسی نام مادرم را می‌برد، من متعرض به مادرش می‌شدم و عین همان جمله را جواب می‌دادم؛ اما من نمی‌توانم جز تکریم و تعظیم در برابر مادرت سخنی بگویم. حر در مقام مقابله است، اما جمله‌ها را دقت کنید. حتی قبل از این وقتی امام حسین (ع) می‌خواست نماز بخواند به حر گفت که تو می‌خواهی یا یارانت نماز بخوانی که حر گفت: نه با شما نماز خواهیم خواند و با جمعش به امام حسین (ع) اقتدا کرد. حر روز عاشورا هم تلاش کرد و صبح عاشورا به سراغ عمرسعد رفت و گفت که آیا جدی می‌خواهی با این مرد به جنگ بپردازي؟ عمرسعد گفت بله و حر گفت نمی‌شود از در مسالمت وارد شوی؟ مقصودش این بود که بدان با چه کسی می‌خواهی جنگ کنی. عمرسعد گفت که من هم می‌خواستم؛ اما ابن‌زیاد دست‌بردار نیست. «#قرّة» یکی از هم‌عشیره‌های حر می‌گوید که وقتی حر دید نمی‌تواند اوضاع را عوض کند و مأیوس شد از اینکه جلوی جنگ را بگیرد، یواش یواش حرکت کرد و از جمع عمرسعد کنار گرفت. شخص دیگری به نام مهاجر می‌گوید که حر کنار گرفت و رفتار مشکوکی داشت. بعد یواش یواش از لشکر عمرسعد دور شد و به سمت دیگر میدان رفت.